

ادله علمی بر جواز ترجمه قرآن کریم

دکتر سید علی اکبر ربیع نتاج
عضو هیأت علمی دانشگاه مازندران

چکیده

از همان آغاز که خورشید عالمتاب قرآن شروع به تابیدن گرفت، جواز ترجمه قرآن، میان عالمان دینی به اختلاف مطرح بوده است گروهی ترجمه قرآن را غیر ممکن و اقدام به آن را حرام دانستند، جمعی آن را برای ابلاغ اسلام به جهانیان، ضروری و واجب تلقی کردند، نویسندگان در این مقاله می‌کوشد تا ریشه کلمه ترجمه و معانی آن بیان گردد سپس ضمن معرفی موافقان مخالفان، با استمداد از قرآن و سنت و سیره نبوی روشن می‌کند که اسلام دین جهانی است و برای ابلاغ اسلام به جهانیان و اتمام حجت بر آنها لازم است قرآن به زبان آنها ترجمه گردد. همچنین نگارنده از همانندی تفسیر با ترجمه، عربی بودن نامه‌های پیامبر(ص)، سیره عقلاء، وجوب عینی نبودن تفقه دینی و آموزش عربی، استدلال کرده و مدّعی خویش را ثابت می‌کند.

ریشه کلمه ترجمه

لغویان راجع به واژه ترجمه که آیا کلمه عربی اصیل است یا غیر عربی و معرّب، اقوال مختلفی را بیان کرده‌اند. بعضی آن را عربی، از ریشه «ترجم» رباعی مجرد گرفته‌اند. عده‌ای دیگر ریشه آن را «رجم» به معنی سخن گفتن از روی حدس و گمان ذکر کرده‌اند. دسته‌ای هم ریشه آن را کلمه «ترجم» و هم «رجم» بیان کرده‌اند. ولی عده‌ای از دانشمندان، کلمه ترجمه را غیر عربی و معرّب دانسته‌اند. مرحوم علی اکبر دهخدا آن را از «تر زبان» فارسی می‌داند. وی می‌گوید: «ترجمان کسی است که کلام دو شخص متغایر اللسان را به یکدیگر بفهماند، چنانکه فردوسی در این باره گوید:

یکی ترجمان رازشکر بجست

که گفتار توکان بدانند درست

بعضی گفته‌اند: کلمه «ترجمه» از ریشه TARGMONO آرامی یا از کلمه رجم کلدانی به معنی افکندن اقتباس شده است»
 آنچه از تعمق در نوع هفدهم کتاب «الاتقان فی علوم القرآن» مرحوم جلال الدین سیوطی حاصل می‌شود این است که این دو قرآن پژوه ژرف نگر متقدم، کلمات غیر عربی قرآن را در این دو فصل بر شمردند کلمه «رجم» و «ترجمه» را کلمات غیر عربی بیان نکرده‌اند. پس به نظر می‌رسد انتخاب شیخ آقا بزرگ تهرانی صحیح باشد که این عالم عمیق کلمه «ترجمه» را یک کلمه اصیل عربی مصدر فعل رباعی مجرد می‌داند که به معنای ایضاح و تبیین و بروزن «ترجم- یترجم- ترجمه» آمده است.

معانی ترجمه

کلمه ترجمه در معنای گوناگونی به کار رفته است که مهمترین آنها عبارتند از:

- ۱- بیان سیرت و اخلاق و نسبت اشخاص، چنانکه از شرح حال بزرگان، ترجمه احوال، یا ترجمه مؤلف و از کتبی که درباره احوال و اخلاق و شخصیتها نوشته شده، کتاب تراجم تعبیر می‌شود. و مرحوم دهخدا آنرا به معنی، سرگذشت، تاریخ حیات کسی، کارنامه، شرح حال کسی (بیوگرافی افراد) بیان داشته‌اند.
 - ۲- تبلیغ و رساندن کلام، به کسی که آن را نشنیده است، در تصوف ترکی به کسی که طریقه صوفیه را به مبتدی القا می‌کند، ترجمان گفته می‌شود و در طول تاریخ، به واسطه‌های سیاسی و تجاری میان دول اسلامی و ملل غیر اسلامی، ترجمان اطلاق می‌شده که خود یکی از مهمترین منصبهای حکومت عثمانیه (ترکیه) بوده است.
- الترجمان، (به فتح تا وجیم و یا به ضم تاء و جیم): کسی است که کلام را ترجمه می‌کند، یعنی از یک لغتی به لغت دیگر برمی‌گرداند و جمع آن تراجم است.
- « از عدی بن حاتم است که می‌گوید: پیامبر فرمود: « ما منکم من احد الا سیکلمه الله یوم القیامه لیس بین الله و بینة ترجمان.» هیچیک از شما نیست مگر اینکه در روز قیامت بدون واسطه با خدا سخن می‌گوید.

درباره عبدالله بن عباس گفتند: «نعم ترجمان القرآن ابن عباس» پس معلوم می‌شود که ترجمه تفسیر لغتی به لغت دیگر و نقل معنی آن از زبانی به زبان دیگر است.

۲- رمز و معما: معنای دیگر ترجمه، رمز و معماست یا کلامی که دیگران از فهم آن عاجزند و فقط افراد خاصی می‌توانند معنی آن را دریابند: «حکیم ارسطو»، نامه به خط خویش به ترجمه‌ای که میان او اسکندر بود بنوشت چنانکه هیچ کس نتوانستن خواند الا شاه و حکیم».

۴- تفسیر و تقریر کلام به زبان دیگر: در خطبه ۱۹۰ نهج البلاغه علی (ع) آمده است: «و تراجمه ينطق علی السننهم، ترجمانانی که به زبان آنان سخن می‌گوید» ابن ابی الحدید معتزلی در مفهوم ترجمان گوید: «هو الذی یفسر لساناً بلسان غیره) - ترجمان کسی است که زبانی را به زبان دیگر تفسیر می‌کند»

پس معلوم می‌شود معنی متداول و عرفی ترجمه، عبارت از نقل معنی و گزارش و تحویل کلمات و جمل از زبانی به زبان دیگر است، چنانکه اگر کلام ترجمه شده به زبان اصلی رد شد همان معانی و بتقیب همان الفاظ به دست می‌آید.

دیدگاهها در برابر ترجمه قرآن کریم :

از همان آغاز، که اسلام مورد پذیرش مسلمانان غیر عرب واقع گردید، بحث جواز یا عدم جواز ترجمه قرآن کریم به عنوان حکم شرعی میان عالمان و دانشمندان اسلامی به اختلاف مطرح بوده است. گروهی از عالمان دینی مخالف ترجمه قرآن و گروهی نیز موافق بوده‌اند. بعضی حکم به تحریم ترجمه قرآن داده‌اند و آن را نوعی فتنه انگیزی در دین دانسته‌اند، فقهای اهل سنت: ابو حنیفه نعمان بن ثابت (م ۱۵۰ هـ) و مالکین انس (م ۱۷۹ هـ) و محمد بن ادریس شافعی (م ۲۰۴ هـ) و احمد بن محمد بن حنبل (م ۲۴۱ هـ) ترجمه قرآن را صحیح نمی‌دانند و کسانی مانند زرکشی صاحب کتاب البرهان فی علوم القرآن و سید محمد رشید رضا صاحب تفسیر المنار و زرقانی نویسنده کتاب

مناهل العرفان» را می‌توان نام برد که به پیروی آنان، ترجمه قرآن کریم را جایز نمی‌دانند.

«ابن قتیبه دینوری، ترجمه قرآن را محال می‌دانست»

«بعضی از عالمان، موضع سختی در ترجمه قرآن، به زبان دیگر گرفتند، شاید علتش این باشد که ترکها قرآن عربی را به ترکی ترجمه کردند و نام آن را قرآن ترکها گذاشتند که بتدریج قرآن عربی فراموش می‌شد و حتی نوشته‌اند «بعد از سقوط دولت عثمانی و روی کار آمدن «مصطفی کمال آتاترک» اذان هم در مرکز خلافت عثمانی به ترکی گفته می‌شد که بتدریج و به علت مخالفت علمای اسلامی و عدم استقبال مردم مسلمان ترکیه این امر منسوخ شد.

شاید آخرین شخصیت علمی معروف که ترجمه قرآن را به طور کلی حرام می‌دانست شیخ عبدالطیف السبکی عضو مجلس اعلاى شؤون اسلامی مصر باشد که در کتاب خود، ترجمه قرآن را غیر ممکن و در نتیجه اقدام به آن را حرام می‌داند.

در مقابل، گروهی از عالمان عامه ترجمه قرآن را جایز می‌دانند، مانند ابن حجر عسقلانی صاحب کتاب فتح الباری فی شرح صحیح البخاری و زمخشری (م ۵۲۷ هـ) صاحب تفسیر اکشاف و قاضی بیضاوی (م ۶۸۶ هـ) صاحب تفسیر بیضاوی. (که گزینشی از تفسیر الکشاف زمخشری است).

کسانی که به نگارش کتابی مستقل در این موضوع پرداخته‌اند، عبارتند از:

۱- بحث فی ترجمه قرآن و احکامها. از شیخ مصطفی مراغی.

۲- الادله العلمیه فی جواز ترجمه معانی القرآن از محمد فرید وجدی.

و گاهی کسانی مانند زهبی صاحب «التفسیر و المفسرون» فقط ترجمه تفسیری برای قرآن را همراه با چهار شرط جایز می‌داند «سید جمال الدین اسد آبادی متفکر بیدار و آشنا به زمان اهل سنت نیز معتقد به جواز ترجمه قرآن کریم است.

در بین فقهای شیعه هرگز به جواز قرائت سوره یا آیه‌ای در نماز به زبان غیر عربی فتوایی صادر نشده است و در مقابل شاید، هیچ فقیهی در شیعه به «حرمت ترجمه

قرآن» به زبانهای دیگر فتوی نداده است. آیه الله خویی و آیه الله بروجردی نیز قایل به جواز ترجمه قرآن هستند

علی رغم مخالفتها، با ترجمه قرآن و فتوی به حرمت آن، به دلیل نیاز شدید مسلمانان غیر عرب به ترجمه قرآن، این کتاب الهی، عملاً به زبانهای غیر عربی ترجمه گردید. قرآن تاکنون بیش از ۱۲۰ بار به ۲۵ زبان مختلف دنیا ترجمه شده است. که بعضی از این ترجمه‌ها شهرت یافتند و بارها چاپ شدند که از جمله می‌توان ترجمه «جورج سیل» انگلیسی را یاد کرد که تاکنون ۳۴ بار به طبع رسیده است و ما را براین اعتقاد است که ترجمه قرآن کریم بدلالی که بیان می‌شود جایز و واجب خواهد بود.

ادله علمی بر جواز ترجمه قرآن کریم:

موافقان ترجمه قرآن کریم برای اثبات مدعای خویش دلایلی می‌آورند که برخی را آنها در ذیل آورده می‌شود:

۱- جهانی بودن اسلام

اسلام دین جهانی است و محمد(ص) پیامبر جهانیان، و قرآن، کتاب هدایت برای همه انسانها می‌باشد. و ارشاد همه انسانها و رساندن وحی به گوش آنها لازمه‌اش، ترجمه قرآن کریم است.

جهانی بودن اسلام را می‌توان از قرآن کریم و سخنان پیامبر (ص) و نامه‌های آن بزرگوار برای زمامداران کشورهای همعصرش و... ثابت کرد.

الف- از قرآن کریم

۱- تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیكون للعالمین نذیراً

۲- قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعاً

۳- وان هو الاذکرى للعالمین

۴- لانذرکم به ومن بلغ.

۵- وما ارسلناک الا کافه للناس بشیراً ونذیراً.

۶- وما هو الا ذکر للعالمین.

۷- لینذر من کان حیا.

با توجه به آیات فوق معلوم می‌شود که قرآن کتاب هدایت برای همه انسانها و محمد(ص) پیامبر جهانیان است و از سوی خدا مأمور شده است که همه خلق را انداز کند.

ب- در سخن پیامبر(ص) :

پیامبر (ص) در فراگیر شدن اسلام فرمود : لایقی علی ظهر الارض بیت مدر و لا ویر الا ادخله الله کلمه الاسلام :

در سراسر کره زمین، خانه‌ای از سنگ و گل و یا خیمه‌هایی از کرک و مو باقی نمی‌ماند مگر این که خداوند اسلام را در آن وارد کند.

«قال النبی (ص) زویت لی الارض فأریت مشارقها و مغاربها وسیبلغ ملک امتی مازوی لی منها»

پیامبر (ص) فرمود: زمین از برای من در نور دیده و جمع کرده باشد، پس به چشم من آورده شد مشرقهای آن و مغربهای آن، و زود باشد که پادشاهی امت بتمامیان جایها برسد که از برای من در نور دیده شد.

پس از رحلت پیغمبر (ص)، دیری نگذشت که مسلمین به طرف امپراطوریهای عظیم رهسپار شدند، و چنان بود که گویی با پیروزی هم عهد بودند و با فتح و نصرت وعده و قراری داشتند و از این رو در فتح و ظفر هیچ گونه شک و تردیدی به خود راه نمی‌دادند. در آن هنگام، که سپاهیان اسلام ایوان سفید و تابناک کسری را در برابر خود دیدند، و عده پیغمبر(ص) را به یاد آوردند که گفته بود : «گروه کوچکی از مسلمین کاخ سفید، کاخ «کسری» و یا آل کسری را فتح خواهند کرد.»

از این رو دل قوی داشتند و همتشان به اوج عظمت برآمده بود، و اقبالشان بیفزود، و موج اشتیاق و امید در دلهایشان برخاست و مگر آن «گروه» کوچک هم ایشان باشند، و ضرار بن الخطاب (یکی از فرماندهان اسلام) در حمله به تیسفون بانگ تکبیر سرداد و گفت: این کاخ سفید کسری است، این همان چیزی است که خدای رحمان وعده داد و پیغمبرش از سر صدق درباره آن سخن گفت. آنگاه مسلمین بانگ تکبیر برآوردند و شهر مداین را بگشودند. سپس فرمانده سپاه اسلام، به کاخ سفید فرود آمد و آن جا را نمازخانه ساخت، و نماز بگذارد، و این سخن خدا را در نماز بر زبان راند که:

«چه بسا بوستانها و چشمه سارها و کشتزارها و مقام ارجمند، و وسایل کامرانی و زندگانی خوش و مرفه‌ی که از خود به جای نهادند و ما را به وراثت قومی دیگر در آوردم.»

ج- نامه‌های پیامبر (ص) به سران کشورهای مختلف، دلیل جهانی بودن اسلام رسول گرامی اسلام، پس از صلح حدیبیه و قتی از آزار و اذیت کفار قریش درامان شد، و به موجب قرارداد صلح توانست آزادانه اندیشه اسلامی را در همه جا تبلیغ کند نامه‌هایی برای دعوت سران کشورها به اسلام نوشت و آنها را به پذیرش اسلام فراخواند.

«تعداد نامه‌ها پیامبر به شاهان و بزرگان اقوام ملل به ۳۱۶ نامه معرفی شده است.» که از این نامه‌ها، اکنون ۱۸۵ نامه در دست است و متن بسیاری از نامه‌ها را می‌توان در جلد دوم کتاب مناهل العرفان و مکاتیب الرسول آیه الله آقا علی احمدی و الوثائق السیاسیه از پروفیسور محمد حمید الله استاد دانشگاه یافت.

د- تبلیغ اسلام از سوی اصحاب پیامبر در همه نقاط:

در میان اصحاب پیامبر، سلمان فارسی، بلال حبشی، صهیب رومی، میثم تمار و... یافت می‌شوند که همه غیر عرب و عجم بودند و این مسأله نشان می‌دهد که اسلام در

دعوت مردم به حق، مرز نمی‌شناسد، چنانکه اصحاب پیامبر در دعوت مردم به حق در سراسر جهان منتشر شدند و در «روایتی نقل شده است که پیامبر اصحاب خود را به آموختن زبانهای ملل دیگر تشویق می‌کرد. مثلاً به «زیدبن ثابت» دستور داد که زبان عبری و سریانی یاد بگیرد و او هم به سرعت این دو زبان را فرا گرفت.»

و در روایت دیگر آمده است که پیامبر به اصحاب خود فرمود :

«بندگان خدا را نصیحت کنید. کسی که سرپرست امور مردم شد و در هدایت و راهنمایی آنان نکوشید، خدا بهشت را بر او حرام کرده است. شما برخیزید، پیک رسالت در نقاط دور دست شوید و ندای توحید را به سمع جهانیان برسانید و لی هرگز مانند شاگردان حضرت عیسی با من مخالفت نکنید. از حضرتش سؤال کردند که آنها چگونه با عیسی (ع) از در مخالفت وارد شدند فرمود: اونیز مانند من گروهی را مأمور ساخت که پیک رسالت در نقاطی باشند، دسته‌ای که راه آنها نزدیک بود فرمان او را پذیرفتند ولی کسانی که راه آنها دور بود، از پذیرفتن فرمان وی سرپیچی کردند»

با دستور فوق اصحاب پیامبر در سراسر جهان پخش شدند و به عنوان سفیران رسالت به ترویج دین پرداختند و این مسأله نشان می‌دهد که محمد(ص) در ابلاغ دین فقط جزیره العرب را نمی‌شناخت و به همه بشر، توجه داشته است.

دلیل دوم ترجمه قرآن کریم

ابلاغ اسلام به مردم جهان مستلزم ترجمه قرآن کریم است. تبلیغ کلام الهی و رساندن سخن خدا به همه کسانی که آن را نشنیده‌اند وظیفه شرعی مسلمانان است از طرف دیگر آموزش زبان عربی، هدف اسلام را تشکیل نمی‌دهد و برای همه مردم نیز امکان آموزش زبان عربی وجود ندارد و خداوند هرگز مکلفین را امر به تکلیف محال و ممتنع نمی‌کند. پس برای رساندن پیام الهی لازم است قرآن ترجمه شود. چنانکه زمخشری در تفسیر آیه ۴ از سوره ابراهیم: «و ما ارسلناک من رسول الا بلسان قومه لیبین لهم»

گوید: خداوند پیامبر را تنها برای عرب مبعوث نکرد، بلکه برای همه انسانها برانگیخت:

«قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعاً» لازم نیست خداوند قرآن را به همه زبانها نازل کند، بلکه ترجمه، کفایت از آن می‌کند پس ضروری است قرآن به یک زبان نازل شود و شایسته‌ترین زبان، زبان قومی است که پیامبر در میان آنها مبعوث شد.»
عبدالرحمن العک می‌گوید :

«در قرآن تفضیل همه چیز است، «وکل شیء فصلناه تفضیلاً- اسراء- ۱۲» هم چنانکه رسول خدا امر کرده است : امت مأمور تبلیغ لفظ و معنای قرآن شدند و تبلیغ قرآن برای غیر عرب احتیاج به ترجمه دارد.

دلیل سوم ترجمه قرآن کریم : سیره عقلاء

از نظر عقلی، هیچ معنی برای ترجمه قرآن نمی‌یابیم و در صریح سنت آمده است که «اهل فارس برای سلمان نوشتند که او سوره فاتحه را برای آنها ترجمه کند و او نوشت بسم الله الرحمن الرحیم : به نام یزدان بخشاینده، و آنها آن را در نماز می‌خواندند تا این که زبان آنها به عربی عادت کرد و بعد که سلمان این مطلب را به پیامبر عرضه کرد، پیامبر منعی نفرمود.»

گرچه زرقانی دانشمند قرآن پژوه به حدیث فوق خدشه‌ای وارد کرده است (مناہل العرفان ۱۶۶/۲) ولی علی رغم اشکال زرقانی به حدیث ترجمه قرآن به دست سلمان فارسی، از نظر عقلی هیچ معنی برای ترجمه قرآن کریم نمی‌یابیم و عاقلان و دانشمندان از صدر اسلام تاکنون قرآن را به زبانهای مختلف دنیا ترجمه کرده‌اند. و سیره عقلا در علم اصول یکی از ادله شرعیه است و اگر این کار خلاف شرع می‌بود آنها قاطعاً مخالفت می‌کردند.

۲- دلیل چهارم ترجمه قرآن کریم

ترجمه قرآن، اتمام حجت بر همه مردم دنیا است.

اگر قرآن ترجمه نگردد، بر مردم جهان که اسلام دین همه آنهاست اتمام حجت نخواهد بود، «و ما كان مهلك اقربى حتى يبعث في امها رسولا يتلوا عليهم آياتنا و ...» پروردگار تو اهل هیچ شهر و دیاری را تا در مرکز آن رسولی نفرستد که آیات ما را بر آنها تلاوت کن هرگز هلاک نکند.

«و لو انا اهلكناهم بعداذب من قبله لقالوا ربنا لو لا ارسلت الينا رسولا فنتبع آياتك من قبل ان نذل و نقرى»

اگر ما پیش از فرستادن پیامبر، با نزول عذاب کافرین را هلاک می‌کردیم البته می‌گفتند پروردگارا چرا بر ما رسولی نفرستادی تا از او پیروی کنیم که این عذاب و ذلت و خواری بر ما پیش نیاید.

پس لازم است برای اتمام حجت بر همه مردم جهان، ترجمه روان و زیبایی از قرآن ارایه گردد، ممکن است، گفته شود برای ابلاغ به مردم جهان، لازم نیست قرآن ترجمه شود بلکه تفسیر کفایت از آن می‌کند. گوئیم شاید همه مردم جهان فرصت مطالعه تفسیر را نداشته باشند. پس گاهی ترجمه ضرورت دارد گرچه معتقدیم این ترجمه همان قرآن نیست بلکه کسی که می‌خواهد آگاهی بیشتر دینی کسب کند و به منافع اسلامی آشنا و احکام را استنباط کند لازم است عربی بداند و به اصل

- ۲- در ترجمه، تطویل و استطراد جایز نیست ولی در تفسیر گاهی جایز است.
- ۳- ترجمه، در عرف باید همه معانی اصل و مقاصد آن را به خلاف تفسیر وفا کند.
- ۴- ترجمه دعوی اطمینان به همه معانی و مقاصدی است که مترجم از اصل نقل کرده است، زیرا مدلول اصل است ولی تفسیر گاهی به صورت احتمال است.
- اما، این فرق نمی‌تواند دلیل عدم ترجمه قرآن باشد زیرا هر دو توضیح و شرح لغات قرآنند منتهی تفسیر توضیح اغت به زبان اصل است ولی ترجمه به لغت دیگر.
- پس باید قرآن ترجمه شود و آنجا که احتیاج به توضیح و شرح دارد به طور مختصر در داخل پراگماتیک بیان گردد، تا برای خواننده روشن و واضح باشد.

دلیل ششم ترجمه قرآن کریم :

عربی بودن نامه‌های پیامبر

این بود که پیامبر در نامه‌های خود آیات قرآن را به عربی می‌نوشت و برای زمامداران کشورها می‌فرستاد، رضایت غیر مستقیم اوست به ترجمه قرآن کریم : زیرا می‌دانست که زمامداران مترجمی احضار خواهند کرد، تا نامه پیامبر (ص) را به زبانشان ترجمه کند.

دفع یک اشکال

ممکن است گفته شود که پیامبر (ص) بعضی از مسلمین را دستور می‌داد تا زبانهای مختلف دنیا را بیاموزند. در نتیجه می‌توانست نامه‌ها را به زبان قومی بنویسد که برای آنها نامه می‌نگاشت ولی علی رغم این توانایی او نامه‌ها را به زبان عربی می‌نوشت که این خود دلیلی بر عدم جواز قرآن کریم است.

در پاسخ می‌گوییم عربی بودن نامه‌های پیامبر ائلی بر حفظ سیادت و بزرگی اسلام است، زیرا مسلمین باید سربلند و با عزت باشند و غیر مسلمین تابع آنها. نه این که عربی بودن نامه‌های پیامبر (ص) دلیلی بر عدم جواز ترجمه قرآن کریم باشد.

دلیل هفتم ترجمه قرآن کریم

ضرورت مبارزه با ترجمه‌های غلط، مستلزم ارایه ترجمه صحیح و درست از قرآن است.

اگر نگاهی به تاریخ ترجمه قرآن بیندازیم، می‌بینیم که بسیاری، قرآن را با هدفهای استعماری و انگیزه برچیدن بساط اسلام ترجمه کردند و در لایه لای ترجمه‌ها، کینه‌ها و تیغهای زهرآگین خود را علیه اسلام و مسلمین ابراز کردند و بیرون کشیدند. ترجمه قرآن به زبانهای اروپایی به قرن هشتم میلادی برمی‌گردد و در واقع مترجمین نمی‌خواستند در نشر معارف اسلامی بکوشند بلکه به طور کلی، این ترجمه‌ها به دستور و نظارت مستقیم‌پاها و کشیشها و عمدتاً برای مقابله و مبارزه با قرآن و اندیشه توحیدی به عمل آمد و این کینه ورزی پدران روحانی هم چنان ادامه داشت تا آنجا که بعضی از ترجمه‌های چاپ شده را به نسام «قرآن محمد» و «قرآن ترکها» و سرانجام «قرآن پیامبر ترکها» منتشر ساختند.

نخستین ترجمه قرآن، به زبان لاتین در سال ۱۱۴۳ م بوسیله روبرت کتونی، به دستور پطرس مقدس، مسؤل دیر «کلونی» (CLOGNY) و یک راهب مانی مذهب به نام HERMANN صورت یافت، ولی در اختیار عموم قرار نگرفت تا این سال ۱۵۴۳ م

به سفارش و مقدمه لوتر چاپ شد. بایررسی این ترجمه و تطبیق آن با متن عربی، روشن می‌شود که تفاوت‌های زیادی بین آن دو وجود دارد و در واقع تلخیصی از آیات قرآنی به زبان لاتین است که پدران روحانی و مسیحی، پنج قرن تمام در مشاجرات بیهوده خود علیه اسلام و قرآن از آن استفاده کردند.

اکنون باید به این سؤال پاسخ دهیم که آیا نباید در مقابل ترجمه‌های غلط قرآن عکس العمل نشان دهیم؟ آیا باید در مقابل شیخون فرهنگی آنها به بهانه‌های مختلف سکوت کنیم؟ آیا بهانه‌هایی نظیر ترجمه کردن قرآن نوعی تهلکه است و ... تکلیف را از گردن ما، ساقط می‌کند؟! قطعاً چنین نیست بلکه عقل حکم می‌کند که باید ترجمه درست و

نسبتاً صحیحی از قرآن ارایه شود و هرچند سال به دلیل پیشرفت علوم و رشد فهم بشر، ترجمه جدیدی برای قرآن نوشته شود تا معانی درست آن بیان گردد.

دلیل هشتم ترجمه قرآن کریم :

وجوب عینی نبودن آموزش زبان عربی و تفقه دینی

اگر ترجمه قرآن جایز نبود، آموزش زبان عربی و تفقه دینی امری وجوبی تلقی می‌شد تا از این رهگذر مسلمین به قرآن مراجعه کنند و آگاهی دینی کسب کنند. زیرا آشنایی با قرآن و استنباط احکام از آن، مستلزم دانستن قواعد عرب و معانی و بیان و ... می‌باشد و مقدمه واجب، واجب خواهد بود، ولی تفقه در دین به عنوان واجب کفایی آمده است.

«و لو لا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیفقهوا فی الدین و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلهم یحذرون.»

چرا، از هر جمعیتی گروهی از آنان کوچ نمی‌کنند برای این که در دین تفقه نمایند و در هنگام مراجعت قومشان را انداز دهند شاید ایشان بپرهیزند.

طبق مفاد آیه مستمع باید انداز مندر، اخبار مخبر، تبلیغ مبلّغ و تعلیم معلّم را بپذیرد و به کار بندد، زیرا قبول قول او لازم نباشد حکم و جوب هجرت علمی لغو و عبث خواهد بود. و حکم و جوب هجرت علمی و کسب تفقه دینی در آیه بعنوان حکم واجب کفایی آمده است، و برعهده‌ای تکلیف شده است که هجرت کنند و پس از کسب آگاهی دینی، اسلام و احکام آن را برای قوم خویش بیان کنند و آنها را انداز نمایند و در حقیقت با ترجمه آیه و بیان معنا و مفهوم آن به زبان قوم، ابلاغ اسلام کرده، آنها را از عمل نکردن به احکام آن برحذر دارند.

نتیجه گیری :

با دلایلی که عرضه شد معلوم می‌شود اسلام دین جهانی است و برای ابلاغ اسلام به مردم جهان لازم است قرآن به زبان آنها ترجمه گردد چرا که همه مردم قدرت یادگیری زبان عربی هدف نهایی اسلام نیست بنابراین برای اتمام حجت به مردم، ضرورت پیدا می‌کند که قرآن به زبانهای زنده دنیا ترجمه گردد.

- (۱)- ر.ک، محمود رامیار، تاریخ قرآن، ص ۶۴۶
- (۲)- راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ قرآن کریم، ص ۱۹۵
- (۳)- ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۴۳۶
- (۴)- علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ج ۴، ص ۵۷۸۳.
- (۵)- محمد عبدالعظیم زرقانی، مناهل العرفان، ج ۲، ص ۱۱۹-۱۲۰
- (۶)- بدرالدین محمد بن عبدالله الزرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۵۹-۳۶۳
- (۷)- جلال‌الدین السيوطی، الاتقان فی علوم القرآن، جزء ۲، ص ۱۲۵-۱۴۳
- (۸)- آغا بزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۴، ص ۷۲
- (۹)- آیه ۱... جعفر سبحانی در کتاب «کلیات فی علم الرجال» صفحه ۱۳ در تعریف علم رجال می‌گوید: فهو بحث عن احوال الشخصیات من العلماء و غیر هم سواء كانوا رواه‌ام لا. در صفحه اول کتاب «سعد السعود، ابن طاووس بیوگرافی مؤلف با عنوان «ترجمه المؤلف» آمده است.
- (۱۰)- علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ج ۴، ص ۵۷۸۴
- (۱۱)- بی نا، اولین کنفرانس تحقیقاتی علوم و مفاهیم قرآن، ص ۱۲۷
- (۱۲)- عبدالرحمن العک، اصول التفسیر و قواعد، ص ۴۶۱
- (۱۳)- همان، ص ۴۶۱
- (۱۴)- علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ج ۴، ص ۵۷۸۳
- (۱۵)- بی نام، اولین کنفرانس تحقیقاتی علوم و مفاهیم قرآن، ص ۱۲۹
- (۱۶)- همان، ۱۲۹

- (۱۷)- ر.ک، محمد بیگی، ترجمه قرآن و بررسی آرای مخالفان، فصلنامه بینات شماره ۴، ص ۸۴
- (۱۸)- محمد ابوزهره، المعجزه الكبرى یا معجزه بزرگ، ترجمه محمود ذبیحی، ص ۶۹۲
- (۱۹)- خسروشاهی، ترجمه قرآن بزبانهای اروپایی، کیهان اندیشه، شماره ۲۸، ص ۲۱۱
- (۲۰)- همان، ص ۲۱۱
- (۲۱)- محمد حسین الذهبی، التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۲۹-۳۰
- (۲۲)- عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران شیعه، ج ۱، ص ۱۵۱
- (۲۳)- خسروشاهی، ترجمه قرآن بزبانهای اروپایی، کیهان اندیشه، شماره ۲۸، ص ۲۱۲
- (۲۴)- ابوالقاسم خویی، البیان فی البیان فی تفسیر القرآن، قسمت تعلیمات، شماره ۵، ص ۵۴۰
- (۲۵)- عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران شیعه، ج ۱، ص ۱۵۱
- (۲۶)- رژی بلاشر، در آستانه قرآن، ترجمه دکتر محمود رامیار، ص ۲۹۴
- (۲۷)- فرقان ۱/۲۵. جاوید و پربرکت است خداوندی که قرآن را بر بنده‌اش نازل کرد تا همهٔ جهانیان را انداز دهد.
- (۲۸)- اعراف ۱۵۸/۷. بگو، ای مردم: من رسول خدا به سوی شما هستم.
- (۲۹)- انعام ۹۰/۶. این قرآن وسیلهٔ تذکر جهانیان است
- (۳۰)- انعام ۱۹/۶. هدف من این است که همهٔ شما و کسانی که سخنم به آنها می‌رسد با قرآن انداز کنم.
- (۳۱)- سباء ۲۸/۳۴. ای محمد، ما تو را نفرستادیم مگر بشارت دهنده و بیم دهنده برای همه.
- (۳۲)- قلم ۵۲/۶۸. این کتاب آسمانی جز ذکر (پند و حکمت) برای عالمیان هیچ نیست.
- (۳۳)- یس ۷۰/۳۶. تا هرکس زنده (دل) است او را به آیاتش پند دهد.

- (۳۴)- محمد حسن طبرسی، مجمع البیان فی علوم القرآن، ج ۵، ص ۲۵
- (۳۵)- نصرالله منشی ابو المعالی، کلیله و دمنه، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی، ص ۴
- (۳۶)- محمد غزالی، محاکمه گلدزیهر صهیونیست، ترجمه صدر بلاغی، ص ۸۱
- (۳۷)- دخان ۲۷-۲۵/۴۴
- (۳۸)- خسرو شاهمی، ترجمه قرآن بزبانهای اروپایی، کیهان اندیشه شماره ۲۸، ص ۲۱۰
- (۳۹)- محمد عبدالعظیم زرقانی، مناهل العرفان، ج ۲، ص ۱۶۸
- (۴۰)- ر.ک، ابوالقاسم خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۶ ص ۱۰۰-۱۰۱
- (۴۱)- خسروشاهی، ترجمه قرآن بزبانهای اروپایی، کیهان اندیشه شماره ۲۸، ص ۲۱۰
- (۴۲)- جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۶۰۸
- (۴۳)- محمود رامیار، تاریخ قرآن، ص ۶۴۸
- (۴۴)- (اشاره له قاعده اصولی است که خداوند تکلیف مالا یطاق نمی‌کند)
- (۴۵)- اعراف ۱۵۸/۷
- (۴۶)- جارالله زمخشری، الکشاف ج ۲، ص ۳۶۶
- (۴۷)- خالد عبدالرحمن العک، اصول التفسیر و قواعد، ص ۴۷۶
- (۴۸)- محمد عبدالعظیم زرقانی، مناهل العرفان، ج ۲، ص ۱۶۶
- (۴۹)- همان ص ۱۷۲
- (۵۰)- قصص ۵۹/۲۸
- (۵۱)- طه ۱۳۴/۲۰
- (۵۲)- سید محمدباقر حجتی - سه مقاله در تاریخ تفسیر و نحو، ص ۱۱
- (۵۳)- محمد عبدالعظیم زرقانی، مناهل العرفان، ج ۲، ص ۱۲۴-۱۲۶
- (۵۴)- محمد حسین ذهبی، التفسیر والمفسرون، ج ۱، ص ۲۸
- (۵۵)- خالد عبدالرحمن العک، اصول التفسیر و قواعد، ص ۴۶۵
- (۵۶)- همان، ص ۴۶۵
- (۵۷)- جواد سلماسی زاده، تاریخ ترجمه قرآن در جهان، ص ۴۴

(۵۸) - خسروشاهی، ترجمه قرآن بزبانهای اروپایی، کیهان اندیشه شماره ۲۸ ص

۲۱۲

(۵۹) - رژی بلاشر، در آستانه قرآن، ترجمه دکتر محمود رامیار، ص ۲۹۳-۲۹۴ پروین

بهار زاده فصلنامه بینات، ترجمه پذیری قرآن کریم، سال ششم شماره ۴، ص ۵۵

(۶۰) - توبه ۱۲۲/۹

منابع و مأخذ

الف- عربی

۱- خالد عبدالرحمان العکک، اصول التفسیر و قواعدہ، چاپ دوم ۱۹۸۶-۵۱۴۰۶:

دارالتفائس، بیروت.

۲- راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق ندیم مرعشلی، چاپخانه: التقدم

العربی ۲۲ شوال ۱۳۹۲ ق.

۳- زمخشری، جارالله، تفسیر الکشاف (الکتشاف عن حقایق غوامض التنزیل) چاپ،

بیروت

۴- زرقانی محمد، عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، تحقیق احمد شمس

الدین چاپ اول ۱۹۸۸-۵۱۴۰۹ م، دارالکتب العلمیه، بیروت لبنان.

۵- زرکشی - بدرالدین محمد بن عبدالله « البرهان فی علوم القرآن » مقدمه و تعلیق

مصطفی عبدالقادر عطا، دار الفکر، بیروت لبنان.

۶- سیوطی جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم چاپ

دوم ۱۳۶۲ هـ-ش، ناشر: منشورات رضی، بیدار.

۷- طبرسی- ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، با تصحیح و تعلیق

سید هاشم رسولی محلاتی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، لبنان ۱۳۷۹ ق- ۱۳۳۹ ش.

ب- فارسی

- ۸- ابوزهره محمد، معجزه بزرگ (پژوهشی در علوم قرآنی)، مترجم محمد ذبیحی، چاپ اول ۱۳۷۰، ناشر بنیاد پژوهشهای اسلامی، قدس رضوی مشهد.
- ۹- ابوالمعالی نصرالله منشی، کلیه و دمنه، تصحیح و توضیح: مجتبی مینوی، چاپ هفتم، ۱۳۶۲، تهران، انتشارات امیرکبیر
- ۱۰- بلاشر، رژی، در آستان قرآن، مترجم دکتر محمود رامیار، چاپ و نشر دفتر نشر فرهنگ اسلامی، زمستان ۱۳۶۵.
- ۱۱- حجتی سید محمد باقر، سه مقاله در تاریخ تفسیر ونحو، چاپ اول دی ماه، ۱۳۶۰ بنیاد قرآن.
- ۱۲- دهخدا علی اکبر، لغت نامه، چاپ اول، ط جدید، ناشر: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاهی تهران
- ۱۳- سلماسی زاده دکتر جواد، تاریخ ترجمه قرآن در جهان، چاپ اول ۱۳۶۹، چاپخانه سپهر تهران.
- ۱۴- غزالی مصری استاد محمد، محاکمه گلدزیهر صهیونیست، مترجم صدر بلاغی ناشر حسینییه ارشاد، زمستان ۶۳، چاپ و صحافی، چاپخانه دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی